

میدون و سوفیا

مسیر موفقیت در ایران



پوریاء عالمی

- ۱- خانه ۸۰ متری‌مان را بفروشیم و دلار بخریم.
- ۲- دلارهایمان را بفروشیم و سکه بخریم.
- ۳- سکه‌هایمان را بفروشیم و پراید بخریم.
- ۴- پراید را بفروشیم و پوشک بخریم.
- ۵- پوشک را بفروشیم و سهام بورس بخریم.
- ۶- بورس را بفروشیم و دلار بخریم.
- ۷- دلار را بفروشیم و سکه بخریم.
- ۸- سکه را بفروشیم و پول پیش بدهیم و یک خانه ۴۰ متری رهن کنیم.

جمع‌بندی

سوفیا... عشقم... یک عمر می‌دویم و ما را می‌دوانند که برگردیم سر نقطه اول؟ آخه چرا؟ عاشق دونده تو؛ میدون دوم

زیر آسمان شهر

خاموشی گنجشک‌ها

حسام محمدی



● ما محیط اطرافمان را با صداهایی که از آنها می‌شنویم، درک می‌کنیم، نه‌اینکه به تک‌تکشان توجه کرده و آنها را از هم تفکیک کنیم، بلکه مجموعه‌ای از این صداها سبب می‌شود تا یک محیط را آرام‌بخش و دیگری را آزاردهنده قلمداد کنیم. هر صدایی می‌تواند به خودی‌خود جذابیت و هویت یگانه‌ای داشته باشد و اصلاً ممکن است ما به‌واسطه یک چشم‌انداز صوتی حس خاصی را از پیرامون خود کسب کنیم و بی‌آنکه جلوه‌های بصری توجهمان را جلب کرده باشند، از طریق همین اصوات با یک محیط ارتباط برقرار کنیم و فضای آوایی آن را از سایر مکان‌ها تمیز دهیم.

امروز آواخت بزرگی دامن کلان‌شهرها را گرفته‌است: تهدیدی به‌مراتب خطرناک که توانسته شهرهای بزرگ را در زمینه چشم‌اندازهای صوتی همسان‌سازی کند. دیگر نمی‌توان محیط اطراف را به‌واسطه صداها از هم تفکیک کرد و این حد از یکسان‌سازی سبب شده تا کلان‌شهرها هر روز به هم شبیه و شبیه‌تر شوند و مناظر صوتی در معرض اضمحلال و تباهی قرار گیرند. نادیده‌گرفتن مناظر صوتی در شهرها منجر به ظهور شهرهای پرسر صدا، اما بی‌صدایی شده که از آن جز مشتی دیوار بتونی و هزاران وسیله‌نقلیه موتوری در خیابان‌ها به همراه حجم وسیعی از اصوات ناهنجار و آزاردهنده چیزی باقی نمانده است. این شهرها که محصول خط تولید یکسانی هستند، یقیناً دیگر تاب صدای هیچ گنجشکی را نخواهند داشت و این حجم از یکسان‌سازی، خود منجر به شکلی از بی‌صدایی خواهد شد، به‌گونه‌ای که ما به‌واسطه هجوم مرکب‌ار اصوات شهری دیگر قادر نخواهیم بود چیزهایی را بشنویم که قرار است قدری تمایز و یگانگی را بر محیط اطرافمان تزریق کنند. در این شرایط برجش، حس شنوایی انسان‌ها دچار شکلی از بی‌رغمی شده و حسی برای شنیدن نخواهند داشت، چنین صداهای ناهنجاری را که دائماً در معرض آنها هستیم نخواهیم شنید؛ نه صدای بوق ماشین‌ها توجهمان را جلب می‌کند، نه صدای شکسته‌شدن ظرف شیشه‌ای و نه حتی صدای آتیز آمبولانس و ماشین آتش‌نشانی. این شکل از سستی شاید به تعبیری محصول انقلاب جدیدی باشد که قرار است اصوات کالایی‌شده را در قالب یک یکپج همسان در اختیار شهروندان ساکن کلان‌شهرها قرار داده و آنها را از شنیدن پژواک واقعی شهرها محروم کند.

امروزه کلان‌شهرها به‌واقع خاموش‌اند و هیچ صدایی از آنها به گوش نمی‌رسد. این مرگ صوتی محصول حذف و کسر صداهایی است که می‌توانستند شنیده شوند، اما به میانه‌جی تزریق آشوب صوتی به شهرها، نادیده‌گرفته شدند و رفته‌رفته در میان حجم وسیع اصوات نامطلوب کم شدند. امروز در تهران دیگر خبری از آواز گنجشک‌ها نیست، حتی کلاغ‌ها صدایی در این شهر ندارند و برگ‌ها دیگر ما را به صدای خش‌خش خود مهیمان نمی‌کنند، گویی دست توانمندی صدای آب را در جوی خفه کرده و زین‌پس پنجره‌ها هرگز به نغمه‌های باران تن نخواهند داد. به یقین ما در شهری مملو از صداهای خاکستری و هارمونی نامطلوبش دفن خواهیم شد. چشم‌انداز صوتی حوزه مغفول در طراحی کلان‌شهرهاست که محصولاتی چیزی جز خاموشی گنجشک‌ها نخواهد بود.

شتر روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۱۲ مهر ۱۳۹۷ = ۲۴ محرم ۱۴۴۰ = ۴ اکتبر ۲۰۱۸
سال شانزدهم • شماره ۳۲۵۹ = ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۳ • اذان مغرب ۱۸:۰۲ • اذان صبح فردا ۴:۳۹ • طلوع آفتاب ۶:۰۲

روزنفرها

کارتون خواب

مارسین بودند ارویچ



شاید وقتی دیگر

وظیفه صنفی فراموش شده خانه سینما

گیسو فغفوری

نست مطوعاتی هیئت‌مدیره خانه سینما با اهالی رسانه در حالی برگزار شد که چند انتقاد عمده درباره عملکرد و نحوه فعالیت‌های این نهاد صنفی وجود داشت:

۱- عدم شفافیت درباره چگونگی هزینه‌کرد بودجه‌های در اختیار این نهاد صنفی و همچنین مطالبه که صرف برگزاری جشن‌های سینما شده است. ۲- عدم تهیه امکانات ویژه رفاهی شامل بیمه، درمانگاه، دستمزدها و بی‌کاری‌ها ۳- نحوه فعالیت مدیرعامل

حاضران در نشست هیئت‌مدیره با برشمردن فعالیت‌های خود درصد بودند اندکی از فشاری را که تحمل می‌کردند کم کنند.

مجلس بیت، تهیه ساختمان سوم، کانال ویدئویی و جشن‌های صنفی هم معیشتی است و همه این فعالیت‌ها هم معیشتی است

که قطعا بزرگ‌ترین دغدغه امروزه هر نهاد و بسیاری از مردم و هنرمندان ایرانی است، اما یک وظیفه مهم هم انجام شد، البته نه از سوی هیئت‌مدیره خانه سینما، بلکه از طرف هیئت‌مدیره چند کانون مهم خانه سینما و سرانجام یک وظیفه فراموش شده این نهاد صنفی انجام شد و آن هم نامه به وزیر ارشاد برای تعیین «رئیی درآشنا در سازمان سینمایی» بود. همه اهالی سینما می‌دانند که قرار است رئیس سازمان سینمایی - محمد مهدی حیدریان- به دلیل بازنشستگی از مسند خود خداحافظی کند. سوال این روزها هم این است که چه کسی قرار است به‌جای او بنشیند و اما سوال اصلی این است که چرا هیئت‌مدیره خانه سینما وارد عمل نمی‌شد و نظرات و انتظارات خود را درباره جانشین حیدریان به صورت علنی بیان نمی‌کرد؟

چرا هیئت‌مدیره خانه سینما به‌عنوان مهم‌ترین نهاد صنفی حرکتی برای دخالت در سیاست‌های کلان سینمایی کشور بروز نداده بود؟ گویی چرا هیئت‌مدیره خانه سینما درصد برنیامد تا با تأثیرگذاری و دیپلماسی و مذاکره آشکار خواسته‌های خود را در این زمینه علنی کند؟

چرا هیئت‌مدیره خانه سینما نظرات و اهداف خود را در زمینه آینده پیش‌روی سینما به‌طور علنی برای سیاست‌گذاران رسمی مطرح نکرده و همکاری و همراهی آنان را درخواست نکرده است؟

آلفرد نوبل، مخترع دینامیت، در وصیت‌نامه‌اش بخش عمده دارایی‌اش را برای پرداخت به افرادی که در هر سال بزرگ‌ترین سود را به بشریت در فیزیک، شیمی، پزشکی، ادبیات و حفظ صلح رسانده‌اند، باقی گذاشت تا مرهمی بر رنج‌هایی باشد که اختراع مخرب وی در جنگ‌ها بر انسان‌ها تحمیل کرده بود. مرسوم است که هر سال پیش از اعطای جایزه گمانه‌زنی‌هایی در مورد برندگان و حوزه تحقیقاتی آنها انجام می‌شود. پیش‌بینی‌ها شانس بالایی برای جان گودایناف، مخترع باتری‌های لیتیومی، میشایل گرتزل، محقق در رشته سلول‌های خورشیدی پروسکیتی و کارل شارپلس، شیمی‌دان آلی و از بنیان‌گذاران سنتز نامتقارن و برنده پیشین نوبل در سال ۲۰۰۱ قابل بودند.

برخلاف گمانه‌زنی‌ها نوبل امسال مشترکا به سه پژوهشگر در حوزه شیمی زیستی تعلق گرفت. فرانسیس آرنولد از مؤسسه فناوری کالیفرنیا، جورج اسمیت از دانشگاه میسوری، کلمبیا و گریگوری وینتر از دانشگاه کمبریج به پاس مطالعات‌شان در حوزه تکامل کنترل‌شده زیستی برندگان این جایزه شناخته شدند. بنا بر اطلاعاتیه انجمن علوم سوئد این دانشمندان با الهام از اصول نظریه تکامل داروین و درگونی انتخاب‌شده مواد ژنتیکی، موفق به سنتز پروتئین‌هایی شده‌اند که در رفع مشکلات نوع انسان راهگشا بوده است. علوم زیستی در سال‌های اخیر

زنانی که من دیدهام

این سرزمین مادر توست

زهرا امرانی

این بار دوم است که هدیه‌ای از میان دیوارها و دریاها، راهش را پیدا می‌کند و به خانه من می‌رسد. پیش‌تر از مونا و بادی و روزمزی دستیابی که از رومانی تا اینجا چندین ماه در راه بود و شوقی که با خودش به ارمغان آورد، نوشته بودم. این‌بار دوستی که ندیده‌ام، اما دوراودر هم را می‌شناسیم و می‌دانم از خوانندگان این ستون است، گردنبند زیبایی را که با دستانش بافته راهی خانه ما کرده است. شنیده در خانواده کوچک ما خبری خوش در راه است و شب‌روزش را گذاشته تا این مدیه گرانبها را با دستاش بیافد و بیک خوش‌خبری را از پشت مرزها و دیوارها به مرکز این شهر شلوغ برساند. گردنبند دستباف او در خانه ما در این روزهای تهران، شبیه جوانه‌زدر یک شاخه کوچک لای درز بتونی دیوار سخت، امیدوارکننده و خوشحال‌کننده و زنده‌کننده بود. سالن فرودگاه را نگاه کنید. چشم بدوزید به رفتن، به پروازکردن به سوی آینده‌ای هرچند نامعلوم و گنگ، اما شاید کمی واضح‌تر از آینده‌ای که در وطن و در ماندن انتظارمان را می‌کشد. نگاه کنید به «پلای» دانشجویان برای دانشگاه و کارمندان برای اقامت و کار، به تبدیل ریال‌ها و بستن چمدان‌ها. در همه‌هم شلوغ فرودگاه؛ جایی که همه مسافران و مهاجران یکدیگر را به اغوش می‌کشند و اشکی می‌ریزند تا ببینند دوباره کی و در کجای این کره خاکی قسمتی می‌شود.یکدیگر را ببینند، آن دختر جوان را شما هم می‌بینید؟ دختری جوان و لاغراندام با کوله‌ای پر دوش؛ زنی که با طمانینه بارها را از روی چرخ برمی‌دارد و در گاری می‌گذارد، همسر و فرزند کوچکش هم همراهش هستند. به سمت خروجی می‌آیند گویی تنها نشانه‌هایی هستند در آن فضای پریهاهو از امید و آرامش و شوق به وطن، آمده‌اند تا بمانند.

نازنین و همسرش، نزدیک ۲۰ سال در اروپا زندگی می‌کردند. هر دو در شرکت‌های بزرگ بین‌المللی کار می‌کردند و درآمد و موقعیت اجتماعی خوبی داشتند. نازنین کارشناسی‌اسی در رشته مهندسی در دانشگاه تهران تمام کرده و بلافاصله راهی انگلستان شده بود. آتجا هم در حوزه مهندسی و مدیریت درشش زمینه کارشناسی گرفت. اما با نازنین بیشتر از آن ازدواجشان می‌گذرد. از وقتی فرزند کوچکشان به دنیا آمد، هر دو احساس کردند با وجود همه دستاوردهای حرفه‌ای و موقعیت اجتماعی که به‌عنوان یک خارجی با پشتکار و سختی در این سال‌ها برای خود کسب کرده بودند، دوست دارند فرزندشان نیز مانند کودکی خودشان در وطن و در جمع خانواده و فامیل رشد کند و دنیا را از زاویه کودکی شرقی کشف کند. این بود که یکباره عازم وطن شدند و آن صحنه آرام‌بخش و پرامید را در صحن فرودگاه به تصویر کشیدند. آشنایی من اما با نازنین دیرتر از آن شروع شد؛ یکی، دو ماه پس از ورودش و اولین بار تلفنی حرف زدیم؛ پرسش‌های فقهیم قصد دارد در ایران در حوزه فعالیت‌های خیریه با سازمان‌های مردم‌نهاد همکاری کند. چندباری تلفنی صحبت کردیم و هربار از اینکه می‌دیدم چگونه با علاقه و شور می‌خواهد هرآنچه را تاکنون بر اثر تحصیل با تجربه فارغ‌رفته، سخاوت‌مندانه به جامعه‌ای که از آن برخاسته برگرداند، اشک شوق در چشمانم می‌آمد. دخترکش یکی، دو سال دارد و در این سال‌ها نازنین در مناطق سخت و محروم زیسته و خود را وقف کودکان این سرزمین کرده است. انگار می‌دانسته که در این سرزمین خورش هرگز بی‌مادر نخواهد ماند، اما کودکان زیادی هستند که به حضور و اندیشه او نیاز دارند. این گردنبند پر از رنگ، از فرای مرزها و راه‌های صعب‌العبور گذشته تا بیايد و به من یادآوری کند چه نازنینانی در این سرزمین زندگی می‌کنند. باشد که قدرشان را بدانیم.

خبر

طرفداری ترامپ از جکسون ۲۰ دلاری

بار دیگر ترامپ موضعی نژادپرستانه گرفت و افکار مربوط به برتری نژاد سفید خود را بروز داد. او با بحث تغییر تصویر روی اسکناس‌های ۲۰ دلاری که از زمان ریاست‌جمهوری باراک اوباما مطرح شده بود، به‌شدت مخالفت کرد و تأکید کرد که تصویر اندرو جکسون، هفتمین رئیس جمهور آمریکا، بر اسکناس باقی می‌ماند. اوباما و جک لیو، وزیر خزانه‌داری وقت آمریکا، در سال ۲۰۱۶ و اندکی پیش از پایان دوران ریاست‌جمهوری او پیشنهاد کرده بودند که تصویر هریت تابمن جانشین اندرو جکسون شود. هریت تابمن یکی از شخصیت‌های مشهور آمریکایی آفریقایی‌تبار در تاریخ آمریکاست. این زن سیاه‌پوست و فعال سیاسی که برده متولد شده بود، نقش‌های موفقیت‌آمیز برای فرار بردگان جنوبی در دوران جنگ‌های داخلی طراحی کرد.

آکادمی

معرفی برندگان نوبل شیمی ۲۰۱۸

سنتز پروتئین‌هایی که در رفع مشکلات انسان راهگشا بوده‌اند

سینا فروتن‌نژاد



همواره شانس بالایی برای دریافت جایزه نوبل در حوزه شیمی داشته‌اند. این امر البته ناشی از نبود جایزه نوبل علوم زیستی در میان جوایز نوبل است. سوابق تحقیقاتی این دانشمندان نشان می‌دهد که دکتر آرنولد نخستین دانشمندی است که با هدایت تکامل آنزیم‌ها موفق به استفاده از پروتئین‌ها برای کاتالیز واکنش‌های شیمیایی شده است. دکتر اسمیت مخترع روشی برای آلوده‌کردن انتخابی باکتری‌ها با ویروس‌های مهندسی‌شده و تولید پروتئین‌های جدید است و دکتر وینتر روش مشابهی را برای تولید داروهای جدید به کار برده است. روش‌هایی که این دانشمندان ابداع کرده‌اند تاکنون برای فرایندهای بی‌شماری از تولید سوخت‌های بیولوژیک تا داروهای جدید برای درمان سرطان و بیماری‌های خودایمنی و حتی ازمان‌بردن سموم در بدن انسان استفاده شده است. پیشینه تحقیقاتی این دانشمندان نیز با

یادداشت

چندشغله‌ها و لنگ پوشان کاخ‌نشین

نقل قولی از جانب یکی از مسئولان در روزنامه‌ها خواندم و ازجمله در روزنامه‌ای که این هفته تیتُر زده بود «عالیجنابان چندشغله و

اشک‌خوران لنگ‌پوش». ایشان مردم متمدن و فرهیخته و تحصیل‌کرده جامعه را به شیوه زندگی مردم «یمنی» فراخوانده بودند.

این نقل‌ها مرا به فکر واداشت، چه رخ داده است که برخی مردم را به ناامیدی، یاس و بدبینی تشویق می‌کنند و به اشکنه‌خوری و لنگ‌پوشی ترغیب می‌کنند و چشم‌اندازی چنین برای جامعه ترسیم می‌کنند؛ چشم‌اندازی که از لحاظ جامعه‌شناسی بسیار خطرناک، مخرب و خانمان‌برانداز است. به‌قول «ابن‌خلدون» نشان می‌دهد که مسئولان از حال جامعه غافل شده و تنها به فکر خود هستند و به روز مصیبت فکر نمی‌کنند. (هر که فریادرس روز مصیبت خواهد/ گو در ایام سلامت به جوانمردی کوش) سعدی.

این توصیه‌های عجیب و دلهره‌آور از جانب یکی از متفکران اجتماعی و فرهنگی بیان می‌شود که به غیر از حرفه پزشکی سال‌ها در رأس وزارت خارجه خدمت کرده، شاگردان زیادی را در زمینه سیاسی پرورش داده است و اکنون ریاست دانشگاه آزاد اسلامی را برعهده دارد. مرجع داوری قرار می‌گیرد، درباره فرهنگ و تمدن ایران مطالعات و تألیفات متعدد دارد، سال‌های سال است که مردم از سخنان اندیشمندان، علمی و عالمانه ایشان در شبکه دو سیما بهره‌مند می‌شوند و در جوار کاخ سعدآباد زندگی را می‌گذرانند.

او در شرایطی که جامعه‌ای که همه جنبه‌ای اقتصادی روبه‌رو است و هر روز مردم با مشکلات فراوانی مواجه‌اند، سخنانی بیان کرد که بسیار خطرناک و حاکی از ناهمربانی‌ها و غیرهمدلی‌ها و برای هم‌رنگی و هم‌زبانی با مردم فداکار و ایثارگر است. این سخنان بی‌خبری از درد و حال و روزکار منتقدت‌بار طبقات و اقشار محروم و شکاف طبقاتی عمیق در جامعه را نشان می‌دهد و نشانه جدایی مسئولان از مردم و بی‌تفاوتی به زمینه‌سازی چنین سخنانی برای چالش‌های اجتماعی و سیاسی است.

این نشان می‌دهد که تا چه حد «سرمایه اجتماعی» کاهش یافته است که مسئولان اشعار می‌دهند اگر ندارید اشکنه بخورید و لنگ ببویشد و این سروشت شماسست. درحالی‌که مقام معظم رهبری چند سال قبل، شعار سال را به همدلی و هم‌زبانی و هم‌رنگی و در کنار مردم و با مردم اختصاص دادند و آن را سرمایه‌ای بی‌نظیر دانستند که موجب جلب اعتماد افقی و عمودی، احساس یگانگی، استحکام و تعهدات دو جانبه بین مردم و مسئولان، حس تفاهم، رفاقت و دوستی، ایثار، احساس همدردی و روابط اجتماعی و... می‌شود. ایشان تأکید فرمودند و مسئولان را به اهمیت و رعایت آن واقف کردند که در میان مردم و با مردم باشند. درحالی‌که اکثریت مردم در شرایط نه‌چندان مساعد زندگی را می‌گذرانند یا به قول «سعدی» عده قلیلی از سیری و اکثریتی از گرسنگی در رنج‌اند (نه چندان بخور کز دهانت برآید/ نه چندان که از ضعف جانت برآید). آیا درست‌است از کنار آقا‌زاده‌ها و زن‌های برتر و خانواده‌سالاری و فامیلی و دریافت‌کننده‌های حقوق‌های نجومی و ... میلیارد‌ها دلار از کشور صم‌وبکم می‌گذرند و در عوض مردم را به اشکنه‌خوردن و لنگ‌پوشیدن ترغیب می‌کنند و آینده جامعه را چنین می‌بینند؟

فراموش نباید کرد که سرمایه اجتماعی و همدلی و هم‌رنگی با مردم درد مردم را از خود دانستن در دنیای سیاست و جهانی که از همه طرف به کشور ما حمله می‌شود، اهمیت بسیار زیادی دارد و موجب تقویت پیوندهای اجتماعی با مسئولان جامعه می‌شود.

چنان‌که «مهاتما گاندی» بزرگ با استفاده از «سرمایه اجتماعی» و جلب اعتماد عمومی و تبدیل «همبستگی مکانیکی» جامعه هند به «همبستگی ارگانیکی» و همراه‌کردن توده عظیم طبقات و اقشار محروم چون کشتارتا، ویساها، سودراها وجاتی‌ها و نجس‌ها و حتی برهنه‌ها و اشراف‌های «نهر» و دیگران که دلسوز هند بودند، شمشیر برنده انگلیس‌های استعمارگر را کند و آنها را وادار به تسلیم کرد. در عوض به رشد و توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی امروز هند کمک کرد؛ زیرا او با مردم و مانند مردم زندگی می‌کرد و درد آنها را درک می‌کرد، نه آنکه در کاخ‌ها زندگی و مردم را به اشکنه‌خوردن و لنگ‌پوشیدن ترغیب کند و چشم‌انداز جامعه را با این‌گونه اظهارنظرها ترسیم کند. خدا به خیر کند یا شاء‌الله.